



آسیب‌شناسی حقوقی آثار واگذاری شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) به بخش خصوصی

مرضیه راحمی حقیقی^۱

دکتر آیدا مخترع^۲

چکیده:

واگذاری شرکت‌های زیر مجموعه تأمین اجتماعی به بخش خصوصی چه اثرات و پیامدهایی بر این نهاد از منظر جنبه‌های حقوقی دارد. در این مقاله استدلال‌های موافقین و مخالفین مورد بررسی قرار گرفته و هر یک به تفکیک ارزیابی شده است. واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه تأمین اجتماعی به بخش خصوصی مسئله‌ای است که مدت‌هاست از سوی قانون‌گذاران مطرح شده و این مسئله موافقان و مخالفانی دارد که بر اساس ظرفیت‌های سازمان تأمین اجتماعی و نحوه این واگذاری‌ها مورد توجه قرار گرفته است. اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی موجب شد تا کشمکش میان موافقان و مخالفان در این مقوله زیاد باشد و هدف از انجام این مقاله بررسی آسیب‌های ناشی از این واگذاری است. روش تحقیق در این پژوهش، بر اساس توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. سر برآوردن شرکت‌های خصولتی یکی از نشانه‌های عدم موفقیت در فرآیند خصوصی‌سازی است. هم‌چنین تحقق هدف افزایش بهره‌وری پس از خصوصی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی، امری است که کارشناسان به راحتی آن را تأیید نمی‌کنند. به همین دلیل، در مورد واگذاری شستا نیز نگرانی‌هایی به ویژه در مورد تعیین صلاحیت متقاضیان خرید شرکت‌های موجود در فهرست واگذاری وجود دارد. البته تاکنون در واگذاری شستا مشکلات دیگری نیز به وجود آمده که مانع از اجرای کامل آن شده است. در این مورد، به نکاتی همچون تأثیر نوسان قیمت ارز بر روند واگذاری شرکت‌های شستا اشاره شده است.

کلید واژه: برون سپاری، تأمین اجتماعی، خصوصی‌سازی، شستا.

۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران: marziye.rahemi22@gmail.com

۲ - استادیار و عضو هیأت علمی بخش حقوق مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران: نویسنده مسوول dr.mokhtare@apadana.ac.ir



بیان مسئله

اصطلاح خصوصی سازی به نقل و انتقال فعالیت بخش عمومی به خصوصی اطلاق می شود، می تواند در رابطه با تداخل سرمایه یا مدیریت خصوصی در فعالیت بخش عمومی قرار گیرد، اما بیشتر انتقال مالکیت از بنگاه های عمومی به بخش خصوصی است (نوری، ۱۳۸۹: ۲۹).

کمبود منابع مالی یکی از مهم ترین عواملی است که موجب شده کارشناسان تلاش کنند با فروش شرکت های زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی (شستا) در این رابطه اقدام کنند بر اساس، ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ در خصوص واگذاری بنگاه های بخش عمومی و دولتی به بخش خصوصی، روند این واگذاری ها به شکلی محسوس شدت یافت. این واگذاری ها در راستای کوچک و چابک سازی دولت صورت گرفت. نظام تأمین اجتماعی در کشور ما، نظام وسیعی شامل سازمان ها و صندوق های متعددی است که وظیفه ارائه خدمات اجتماعی را دارند. بر این اساس، سازمان تأمین اجتماعی وسیع ترین صندوق از نظر تعداد مشترکان - چه به لحاظ بیمه بازنشستگی و چه به لحاظ بیمه درمان - به شمار می رود، به نحوی که قریب به ۴۲ میلیون نفر را تحت پوشش خود قرار داده است. این دامنه وسیع افراد تحت پوشش، نشان از اهمیت توجه به مسائل و مشکلات این سازمان دارد (مشیری تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). شرکت های تحت پوشش شستا ۷۵ درصد صنایع تولید و توزیع دارو و همچنین درصدهای بسیاری از شرکت های فعال در صنایع نفت، کاشی، لاستیک، کاغذ را در کشور دارا می باشند. واگذاری سهام شرکت های دولتی یا به صورت بلوکی صورت می گیرد یا به صورت مدیریتی، یا خرد فروخته می شود. از ابتدای سال ۱۴۰۰ تا پایان سال ۱۴۰۲، مبلغ ۳۲۶ میلیارد ریال سهم و اموال دولتی توسط سازمان خصوصی سازی واگذار شده که در این میان ۴۱ هزار و ۲۷۸ میلیارد ریال از طریق مزایده، ۱۲۲ میلیارد ریال از طریق بورس، ۱۶۰ میلیارد ریال از طریق فرابورس و ۲۱۷ میلیارد ریال از طریق مذاکره فروخته شده است. این در حالی است که از این میزان واگذاری، ۳۸ هزار و ۴۱۵ میلیارد ریال به صورت بلوکی، ۲۸۲ میلیارد ریال به صورت تدریجی و ۱۲۹ میلیارد ریال به صورت ترجیحی بوده است (منصوری، ۱۴۰۲: ۳۸).

تاریخچه خصوصی سازی در ایران

خصوصی سازی در ایران از اواخر دهه ۱۳۶۰ مورد توجه قرار گرفت. به صورت جدی تر از دهه ۱۳۸۰ با تصویب و اجرای قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی وارد مرحله عملیاتی شد. قانون اصل ۴۴ با هدف کاهش نقش دولت در اقتصاد و افزایش سهم بخش خصوصی در فعالیت های اقتصادی، آغازگر فرآیندی شد که منجر به واگذاری گسترده بسیاری از شرکت ها و مؤسسات دولتی به بخش خصوصی گردید. واگذاری شرکت های زیرمجموعه تأمین اجتماعی (مانند شستا) از جمله مسائلی بود که همواره مورد بحث و بررسی قانون گذاران قرار داشت و دارای موافقان و مخالفان بسیاری بود. یکی از چالش های عمده در این فرآیند، نحوه



واگذاری و ظرفیت‌های موجود در سازمان تأمین اجتماعی برای مدیریت این واگذاری‌ها بود.

اهمیت و ضرورت

خصوصی‌سازی یک موضوع مهم در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور است و بسیاری از اقتصاددانان، آن را «سنگ بنای» ایجاد اصلاحات ساختاری می‌دانند؛ این فرآیند موجب تشویق توسعه بخش خصوصی، به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، گسترش رقابت، آزادسازی تجارت و توسعه بازارهای سرمایه می‌شود. می‌تواند حاکمیت شرکت‌ها را بهینه و بر عملکرد مالی و عملیاتی شرکت‌ها تأثیر گذارد.

پرسش اصلی:

- آسیب‌های حقوقی نحوه واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه تأمین اجتماعی به بخش خصوصی چیست؟
فرعی:

- علل واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه تأمین اجتماعی (شستا) به بخش خصوصی چیست؟

پیشینه ی تحقیق:

«عمران»^۱ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه عملکرد شرکت‌های دولتی با شرکت‌های تازه خصوصی‌شده» به مطالعه تأثیر خصوصی‌سازی بر عملکرد شرکت‌ها در مصر پرداخته است. وی در این پژوهش بررسی کرده است که آیا واگذاری این شرکت‌ها به بخش خصوصی می‌تواند به اقتصاد کشور کمک کند یا خیر. این مقاله به بررسی سیاست‌های برون‌سپاری نپرداخته است؛ بررسی این مورد در پژوهش حاضر انجام گرفته و مزایا و معایب نیز در کنار این مسئله مورد توجه قرار گرفته است.

«اکتن و آرین»^۲ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر خصوصی‌سازی بر کارایی» به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر کارایی شرکت‌های خصوصی‌شده در ترکیه پرداختند. ایشان تأثیر خصوصی‌سازی را در قالب دو محور مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله نیز مسئله نحوه برون‌سپاری و قوانین مرتبط با آن مغفول مانده است، که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده و از این جنبه دارای نوآوری است.

شمس، عرفان (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش نهادهای مقررات‌گذار در تنظیم خدمات عمومی»، به بحث برون‌سپاری در ارائه خدمات عمومی بهتر به شهروندان پرداخته است. مؤلف مقاله بر این باور است که نهادهای مقررات‌گذار می‌توانند با تنظیم مقررات جدید در ارتباط با واگذاری خدمات عمومی به بخش خصوصی، نقش مؤثری ایفا کنند.

کرونی، رضا (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه و تدوین خدمات برون‌سپاری در نظام‌های مرتبط با خدمات عمومی»، بیان می‌کند که

^۱ Omran

^۲ Octane and arene



استفاده از خدمات برون‌سپاری می‌تواند بحث جدید و مؤثری در راستای تحقق اهداف خصوصی‌سازی باشد. وی بر توسعه و تدوین مقررات جدید در این زمینه تأکید دارد که از جمله تفاوت‌های آن با پژوهش حاضر است که به تفصیل به مسئله برون‌سپاری پرداخته است.

نحوه شکل‌گیری شستا:

دولت جمهوری اسلامی ایران در راستای بهتر ساختن کارکرد شرکت‌های دولتی، بعد از مصوب نمودن قانون برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، از سال ۱۳۶۸، مصمم شده است تا سهام شرکت‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند. با توجه به متصل بودن برخی از این شرکت‌ها در سازمان تأمین اجتماعی، روند خاص خود را به دنبال می‌کند. در واقع ارتزاق شستا و همچنین شرکت‌های زیرمجموعه آن از دولت و همچنین دولت از این سازمان‌ها موجب شده است تا عملاً روند واگذاری این شرکت‌ها در پرده‌ای از ابهام قرار گرفته و خصوصی‌سازی به شکلی که باید در این سازمان‌ها صورت نگیرد، براساس قانون جامع تأمین اجتماعی و حرکت به سمت سهامداری، عرضه اولیه شرکت‌های گروه شستا در دستور کار قرار گرفت. در حال حاضر براساس بهای تمام شده ۸۲ درصد دارایی‌های شستا در قالب بورس بوده و این مسیر براساس کشش بازار ادامه خواهد یافت. نکته قابل توجه بازدهی مناسب شرکت‌ها و هلدینگ‌های تابعه شستا در شاخص‌های سودآوری نسبت به سایر رقبا است که اعداد و ارقام آن در صنایع مختلف شامل دارو، لاستیک، پتروشیمی، اوره و متانول با توجه به شرایط بورس شرکت‌ها و در دسترس بودن اطلاعات قابل سنجش است. مجموعه شستا به عنوان یک بنگاه اقتصادی مستقل در چارچوب قانون تجارت عمل می‌کند که علاوه بر پوشش هزینه‌های جاری خود، سرمایه‌گذاری و اصلاح پرتفوی، تا سال ۱۴۰۰ بیش از ۹۰ درصد از سود خالص به دست آمده را به سهامدار اصلی خود یعنی سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نموده است. (یزدانی، ۱۴۰۱: ۲۵).

برون‌سپاری

واژه‌ی برون‌سپاری زمانی کاربرد خواهد داشت که شرکت‌ها به تجزیه‌ی فعالیت‌ها یا تجزیه‌ی عمودی خود اقدام می‌کنند. در سال‌های اخیر بسیاری از وظایف دیگر در قسمت‌های مختلف، مانند خدمات اداری، فعالیت‌های نیروی انسانی، ارتباط از راه دور، خدمات مشتری، لجستیک و حتی امنیت نیز مورد برون‌سپاری قرار گرفته است. اصطلاحاتی مانند «ساخت یا خرید»، «ادغام یا تجزیه‌ی فعالیت‌ها» همواره در قالب برون‌سپاری قابل بررسی است و بعضی از نظریه‌پردازان نیز از برون‌سپاری در ارتباط با تصمیمات مربوط به یکپارچه‌سازی عمودی بهره برده‌اند. امروزه واژه‌ی برون‌سپاری، جانشین مفهوم قدیمی مقاطعه‌کاری گردیده است؛ با این وجود، بعضی از نویسندگان بین این دو اصطلاح تفاوت قائل می‌شوند. «ون میگم»^۱ برون‌سپاری را به‌دست آوردن اجناسی می‌داند که شرکت نمی‌تواند نسبت به تولید آن اقدامی انجام دهد (آخوندی، ۱۳۸۲: ۹۴). برون‌سپاری عبارت است از واگذار نمودن تمامی یا

^۱ Van Mighom



قسمتی از مسئولیت انجام یک وظیفه‌ی سازمانی از یک شخص، گروه یا سازمان تخصصی تا ضمن کاهش هزینه‌ها این امکان محقق شده و کیفیت‌های بهتر در اجناس هم ایجاد شود. برون‌سپاری را «انتقال دادن بعضی از وظایف و اهداف در بخش‌های متفاوت سازمان به اشخاص یا شرکت‌هایی خارج از آن شرکت که در صنایع موردنظر از تخصص کافی برخوردار می‌باشند و در مقایسه با نتیجه‌ی نهایی، با هزینه‌ی کمتری وظایف موردنظر را انجام می‌دهند» می‌داند (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۲). به بیان دیگر، تأمین‌کننده‌ها می‌توانند از ابعاد هزینه، زمان‌بندی و دیگر شاخص‌های مدیریتی به روشی حرفه‌ای عمل کنند. برون‌سپاری علاوه بر این که در فعالیت‌های تولیدی کاربرد دارد، در زمینه‌های تحقیقاتی و خدمات فنی‌تر هم کاربرد دارد (نصیری‌اقدم، ۱۳۹۰: ۱۲). «بولتر^۱» مدیر مؤسسه‌ای تحقیقاتی انگلستان، برون‌سپاری را یک شیوه‌ی مدیریت بیرون از داخل تعریف می‌کند: (بولتر، ۱۳۷۱: ۱۲۱). برون‌سپاری شیوه‌ای مدیریتی است که از طریق آن، سازمان وظایف غیر اصلی خود را به تأمین‌کنندگان خدمات واگذار می‌کند. «کورت^۲» برون‌سپاری ساختار سازی مجدد قابلیت‌های اصلی و روابط خارجی سازمان است (کورت، ۱۳۷۸: ۳۶).

خصوصی سازی

خصوصی‌سازی در معنای واقعی به این مفهوم است که تمام یا بیشتر از ۵۱٪ سهام دولت در یک بنگاه دولتی واگذار گردد؛ به‌گونه‌ای که مدیریت آن نیز به بخش خصوصی واگذار شود. حتی اگر دولت کمتر از ۵۱٪ سهام یک بنگاه را در اختیار داشته باشد، اما از طریق سهام ممتاز، کنترل مدیریت بنگاه را حفظ کند، نمی‌توان گفت که خصوصی‌سازی به معنای واقعی آن تحقق یافته است (افضلی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). به مجموعه‌ای از اقداماتی که طی آن، طبقات مختلف کنترل، مالکیت و مدیریت از قلمرو بخش دولتی خارج شده و به دست بخش خصوصی سپرده می‌شود (رحمت‌اللهی، ۱۳۸۱: ۱۲۴). اقتصاددانان بازار آزاد معتقدند این که دولت باید وظیفه خود را در خصوص، تنظیم مقررات بداند و مالکیت شرکت‌های صنعتی و سودآور را به بخش خصوصی واگذار کند (بهکش، ۱۳۸۱: ۹۳). خصوصی‌سازی را می‌توان به چهار روش انجام داد: ۱- پرداخت مستقیم هزینه ۲- پیمانکاری ۳- ملی‌زدایی ۴- آزادسازی (تقدیسین، ۱۳۹۳: ۳۴).

با توجه به تعاریف مختلف، حرکت به سمت تعادل بازار بوسیله دولت با روش‌های متفاوتی صورت می‌گیرد می‌توان خصوصی‌سازی را از طریق آن انجام داد، شامل تدابیر سازمانی، تدابیر عملیاتی و تدابیر مالکیتی (رحمت‌اللهی، ۱۳۸۱: ۱۲۴). آنچه که در این پژوهش بسیار مهم بوده و بدان توجه ویژه‌ای شده است، مفهوم جدیدی از دولت است که «دولت حداقلی»^۳ یکی از این دولت‌هاست (نصیری اقدم، ۱۳۹۰: ۸۱). دولت‌ها به شکل‌های حداقلی و حداکثری تقسیم می‌شوند که به واسطه‌ی موجودیت خود

^۱ Bolter

^۲ Corbett

^۳ Minimal government



نیز سیاست‌گذاری‌هایی را انجام می‌دهند. این سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند در راستای منافع و همچنین دیدگاه دولت‌ها در زمینه‌های مختلف و خصوصاً مقوله‌های اقتصادی و توسعه مورد توجه باشد (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۸). در برخی از سیستم‌ها دولت دارای انفعال بوده و شئون اجرایی زیادی ندارد. این حداقل بودن نقش دولت، ممکن است باعث منحرف شدن و ناتوانی دولت از نقش اصلی خویش در جهت بازی کردن نقش اساسی‌اش شود که به این دولت، حداقلی گفته می‌شود (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). تغییرات پرسرعت به‌ویژه در نقش دولت‌ها در فرآیندهای مختلف، خصوصاً در مسائل اقتصادی، مشهود است (حاج‌علیان، ۱۳۹۰: ۴۳). در ایران، همچون سایر نقاط جهان، شاهد تغییرات مدیریتی گسترده‌ای بوده‌ایم که پدیده‌های جدیدی را به عرصه مدیریت معرفی کرده است. (اکبری و نیکزاد، ۱۳۸۹: ۱۲). این پدیده در گذشته یک امر استثنایی و غیرمعمول به حساب می‌آمد، اکنون به یک فعالیت رایج و مداوم تبدیل شده است. به‌طور خاص، «پیتر دراگر»^۱ پدر کسب‌وکار نوین، بر اهمیت برون‌سپاری تأکید کرده و آن را به‌عنوان یک دگرگونی اساسی در شکل‌دهی سازمان‌های جهانی آینده مطرح کرده است (عباسی به نقل از دراگر، ۱۳۹۲: ۱۰۱). این تغییرات تمرکز خود را بر فعالیت‌های اصلی خود معطوف کرده و سایر کارهای خدماتی را به نهادهای بیرونی واگذار کنند (خداوردی، ۱۳۸۹: ۶۵). برون‌سپاری مزایای زیادی مانند صرفه‌جویی در هزینه‌ها، تسریع در انجام امور اداری، کاهش بوروکراسی‌های اداری، ارائه خدمات بهینه، دسترسی به دانش فنی پیشرفته، تمرکز بر فعالیت‌های اصلی، و کاهش حجم سازمان را فراهم می‌کند. (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷).

پیشینه‌ی دولت حداقلی

پس از جنگ جهانی دوم، نظریه «دولت رفاه»^۲ به سرعت در سراسر جهان محبوبیت پیدا کرد و به مدت دو دهه بر بسیاری از کشورها سیطره داشت. این نظریه در آن زمان به‌ویژه به دلیل وجود اتحاد جماهیر شوروی با گرایش‌های کمونیستی و کارگری، به‌عنوان ابزاری در دست دولتمردان برای پیشگیری از رکود و شکست اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت (منتقمی، ۱۳۸۴: ۶۵). فقر، ایجاد وابستگی اقتصادی افراد به دولت، و نقض آزادی‌های فردی، مورد انتقاد قرار گرفت و باعث شد گروهی از اندیشمندان لیبرال که به نئولیبرال مشهور شدند، به انتقاد از دولت رفاه پرداخته و خواستار کوچک شدن دولت بر اساس اصول لیبرالیسم کلاسیک شوند (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۸).

نظریات مرتبط با دولت حداقلی

سیر تحول دولت، از دولت‌های ابتدایی تا دولت لیبرال دموکراسی (توحیدفام، ۱۳۸۲: ۴۷). همزمانی تحول در «اندیشه» و «عمل» و همزمانی رویکرد «ساختار» و «نظریه»ی کاهش نقش و تأثیرگذاری دولت‌ها (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۸). این مسئله موجب می‌شود تا

^۱ Peter Drucker

^۲ Welfare State



شاهد شکل‌گیری فرآیند خودمحموری دولت باشیم که می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به مقوله‌ی اقتصاد و همچنین توسعه‌ی اقتصاد آزاد بدون دخالت دولت ایجاد نماید. (توحیدفام، ۱۳۸۲: ۴۸). وجه دوم؛ شکل ساختاری یا تحول در جهت ساختارسازی دولت بزرگ به دولت کوچک می‌باشد. (رحمت‌الهی، ۱۳۸۸: ۹۰). وجه سوم تحول در نظریه است؛ دیدگاه جامعه‌محور (تبیینی) و دیدگاه دولت‌محور (تجویزی). (توحیدفام، ۱۳۸۲: ۴۸). نقش دولت در اموری چون نظم، امنیت، نظارت، ممانعت از تجاوز افراد به یکدیگر، آزادی شهروندان، امنیت اقتصادی، حفاظت از دارایی خصوصی افراد محدود شده است. (شمس، ۱۳۹۲: ۱۲۱)

ارکان مهم نظریه‌ی دولت حداقلی

دولت حداقلی «جان لاک»^۱، نقش یک نگهبان شب را ایفا می‌کند و تنها فعالیت قانونی حکومت و مراقبت از جامعه در برابر تهاجم، دزدی، پیمان‌شکنی و تقلب است و تنها نهادهای مشروع در آن نظامیان، پلیس و دادگاه‌ها هستند. (امیرارجمند، ۱۳۸۱: ۱۲۶). از نظر «آدام اسمیت»^۲، در دولت حداقلی وظایف دولت در سه دسته قابل احصا می‌باشند: الف- دفاع نمودن از جامعه در برابر تجاوز خارجی توسط نظامیان؛ ب- احداث نهادهای قضایی، برقراری عدالت قضایی و برقراری امنیت داخلی توسط ضابطان قضایی و انتظامی؛ ج- عرضه‌ی کالا و خدماتی که مکانیسم بازار و بخش خصوصی به علت بازدهی پایین و سود کم مایل به انجام آن‌ها نیستند. مواردی که به نقصان بازار معروفند در این دسته می‌گنجد. به همین دلیل آنان قانون اساسی را یک قوه قاهره مهم در برابر دولت می‌دانند که می‌تواند دولت را محدود کند و از طریق تفکیک قوه مقننه، مجریه و قضائیه و تضمین برخی حقوق برای اشخاص، ایجاد محدودیت‌هایی را بر دولت اعمال نماید. (فولادیان، ۱۳۸۸: ۱۰).

واژه‌ی خصوصی‌سازی در ۱۹۳۸ در فرهنگ لغات دانشگاهی «وبستر»^۳ معنی شد «هانک»^۴ مدعی بود که تعمیم آن در زمانی که در هیأت مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهوری آمریکا استخدام شده بود صورت گرفت. (کمیجانی و رحیمی‌فرد، ۱۳۷۲: ۲۵). به اعتقاد «آوانر»^۵ و همکارانش (۱۹۹۶)، خصوصی‌سازی می‌تواند شامل اقدام‌هایی ناظر بر افزایش گستره‌ی فعالیت بخش خصوصی با ایجاد فنون و تکنیک‌های متداول باشد. در ارتباط با تبیین معانی مختلف خصوصی‌سازی، («کریستنسن»^۶ ۱۹۹۱) اعتقاد دارد که یکی از شیوه‌های مناسب این است که فعالیت‌ها و همچنین کارویژه‌های دولتی خصوصی‌سازی به افزایش نقش بازار در مدیریت اقتصاد توجه دارد. به علاوه، خصوصی‌سازی را می‌توان به معنای کاهش کنترل‌های دولتی و انتقال مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی به بخش خصوصی تعریف کرد (کمیجانی، ۱۳۸۲: ۱۰).

^۱ John Locke
^۲ Adam Smith
^۳ Wister
^۴ Hank
^۵ Avaner
^۶ Christensen



مبانی خصوصی سازی

مسئله‌ی خصوصی‌سازی یک امر جهان‌محور و فراگیر شده است (متوسل، ۱۳۷۳: ۴). دولت برای رها شدن از تأمین کسری‌های بودجه، کاهش بار مالی وزارتخانه‌ها و ریزش نیروی انسانی، اقدام به خصوصی‌سازی می‌کند. (پاکدامن، ۱۳۷۴: ۱۵). «هراکلیوس»^۱ (۱۹۹۱) عامل اساسی، عملکرد ضعیف شرکت‌های دولتی کارایی و سودآوری است. (کمیجانی و رحیمی فرد، ۱۳۷۲: ۲۵). خصوصی‌سازی منجر به کاهش هزینه‌ها و رشد نوآوری کاهش قیمت کالاها و خدمات می‌شود. (اکبری، ۱۳۸۰: ۱۰۱). خصوصی‌سازی باعث کارایی و رشد سریع اقتصادی؛ افزایش تولید، کاستن از مداخله‌ی دولت از نظارت و مداخله‌ها در امور تولیدی و اقتصادی شرکت‌ها، متمرکز شدن بر مسائل و سیاست‌های خاص زندگی در جامعه و کشور است، (موسوی، ۱۳۹۴: ۷۷).

شیوه‌های واگذاری: روش قرارداد: (جلیلیان، ۱۳۸۹: ۵۲). فروش سهام از طریق کوپن: (اکبری، ۱۳۸۰: ۱۰۲). فروش دارایی‌ها و اموال شرکت: (صفارزاده، ۱۳۸۳: ۱۳).

فرآیند خصوصی سازی در سیاست های توسعه اقتصادی

خصوصی‌سازی به عنوان یک رویکرد اقتصادی، (کبیری، ۱۳۸۷: ۱۳۳). افزایش کارایی: (علوی، ۱۳۹۲: ۳۵). پاسخگویی و انگیزه‌های قوی‌تر: این سیاست‌ها شامل شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی، گسترش مالکیت عمومی، ارتقای کارایی و بهره‌وری، افزایش رقابت‌پذیری، و سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد، کاهش بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، و افزایش سطح عمومی اشتغال است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در مواردی که مدیریت دولتی تغییر نکرده و کنترل بنگاه در اختیار بخش عمومی باقی مانده، کارایی و بهره‌وری ارتقا نیافته است (احمدوند، ۱۳۹۲: ۳۵).

وظایف و اهداف بخش عمومی

وظایف بخش عمومی در هر کشور از طریق قانون اساسی آن کشور مشخص می‌شود و این خدمات به طور عمومی ارائه می‌شوند و قابلیت جداسازی اختصاصی ندارند (محمودی، ۱۳۸۷: ۴۱). سازمان تأمین اجتماعی به رغم این که به عنوان یک مؤسسه عمومی غیر دولتی شناخته می‌شود، از نظر اقتصادی جزء بخش عمومی به حساب می‌آید (نوری، ۱۳۸۷: ۶۵). مؤسسات عمومی غیردولتی مانند بنیادها و شرکت‌های وابسته به آستان قدس رضوی نیز در زمره بخش عمومی قرار می‌گیرند. این مؤسسات برخلاف تصور عمومی که آن‌ها را غیردولتی می‌پندارد، از بودجه‌های عمومی دولتی بهره‌مند می‌شوند و به نوعی تحت نظارت دولت هستند. این مؤسسات منابع مالی و مدیریت خود را از منابع بخش خصوصی تأمین نمی‌کنند بلکه به منابع عمومی وابسته‌اند. انتقال زمانی

^۱ Heracleous



به کارایی مطلوب می‌رسد که اموال و دارایی‌ها به‌طور کامل از بخش عمومی به بخش خصوصی منتقل شود. انتقال درون بخش عمومی از دولتی به مؤسسات عمومی غیردولتی بدون تغییرات اساسی در مدیریت و هدف‌گذاری نمی‌تواند تحولی در کارایی بنگاه‌ها ایجاد کند (محمودی، ۱۳۸۷: ۴۳). خصوصی‌سازی را می‌توان دارای یک هدف مهم دانست و آن نیز کاهش استمرار نفوذ دولت در ارکان و نهادهای اقتصادی است (مجتهدزاده، ۱۳۹۳: ۱۱۵). تأمین سرمایه دولت، جبران کسری بودجه، توسعه بازار سرمایه داخلی و دست‌یافتن به منابع مالی و فناوری‌های خارجی از اصلی‌ترین مسائل خصوصی‌سازی در کشور به شمار می‌آیند. (نوری، ۱۳۸۹: ۷۸).

خصوصی‌سازی:

قوی نمودن حقوق مالکیت خصوصی، ایجاد تغییر بنیان شرکت‌ها، مقررات‌زدایی دست و پا گیر، اصلاح مقررات، بنیان‌های مالی، بازار سرمایه و نیروی کار؛ تشویق و هدایت توسعه بخش خصوصی به جهت تحریک رقابت و ورود تولیدکنندگان به بازار؛ واگذاری مؤسسات عمومی دولتی به بخش خصوصی (تغییر مالکیت). (مجتهدزاده، ۱۳۹۳: ۱۱۵). ۲-۳ دستگاه‌ها و نهادهای نظارت‌کننده بر فرآیند واگذاری سهام شرکت‌های دولتی، توجه به ظرفیت قانون تأمین اجتماعی برای تحقق اهداف واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه (کریمی، ۱۳۹۲: ۱۵). نحوه انتخاب مدیران سازمان با ماهیت حقوقی نهاد عمومی غیردولتی (مهدوی، ۱۳۹۵: ۱۱). رعایت جنبه‌های حاکمیتی تأمین اجتماعی (کریمی، عباس، ۱۳۹۲: ۱۵). توجه به جنبه‌های علمی و محاسبات بیمه‌ای چگونگی واگذاری (مرادی، ۱۳۹۴: ۸۸). براساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مؤسسات عمومی غیردولتی می‌توانند بنگاه‌های دولتی را تملک کنند (نصیری اقدم، ۱۳۹۰: ۳۳) از آغاز اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور، بسیاری از مؤسسات دولتی به دیگر سطوح بخش عمومی، یا حتی نهادهای دیگر دولت فروخته شده‌اند. آمار سازمان خصوصی‌سازی، از ۵۶ درصد سهامی که با مزایده در ۱۳/۵ سال گذشته واگذار شده، تقریباً ۸۸ درصد به وسیله‌ی شبه دولتی‌ها خرید شده و ۱۲ درصد به بخش خصوصی تعلق گرفته است. (عبدالله پوری حسینی، ۱۳۹۳)

تجربه‌های موفق جهانی: در کشورهای کانادا و آمریکا، علی‌رغم وجود نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، بیمه‌های بازنشستگی برای همه شاغلان (حتی صاحبان حرف و مشاغل آزاد) یک مسئله‌ی اجباری است و به روش سیستم دولتی اجرا می‌شود. (کریمی، ۱۳۹۲: ۱۷).

واگذاری بنگاه‌های دولتی به مؤسسات عمومی غیردولتی بابت رد دیون

با وجود هزاران میلیارد تومان بدهی، دولت ترجیح می‌دهد که سهام بعضی از شرکت‌های دولتی را در قبال این بدهی به طلبکاران واگذار نماید. این واگذاری شرکت‌های دولتی به طلبکاران هر سال در قوانین بودجه به تصویب مجلس می‌رسد. (نصیری اقدم، ۱۳۹۰: ۳۶)

(<https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-۳۵۰۷۰۹>)



تا سال ۱۳۹۳، واگذاری شرکت‌های دولتی در راستای رد دیون به بنگاه‌های عمومی غیردولتی روندی صعودی داشته و این موضوع را به جهت افزایش بدهی‌های دولت به این نهادها و مؤسسات است (عطایی، ۱۳۹۶: ۱۰). از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹، حدود ۱۳۳ هزار میلیارد تومان سهام واگذار گردیده که ۵۶ درصد آن از روش مزایده و ۴۴ درصد دیگر به جهت رد دیون دولت و سهام عدالت بوده است. (محمدی، ۱۳۹۹: ۷۷)

واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه تأمین اجتماعی و عملکرد مالی آن‌ها

شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی شستا در واقع یک هلدینگ سرمایه‌گذاری متعلق به سازمان تأمین اجتماعی است که از سال ۱۳۶۵ تأسیس شده و در زمینه‌های مدیریت سرمایه‌گذاری، تجارت و بازرگانی، مدیریت دارایی و مبادلات سهام شرکت‌ها فعالیت می‌کند (مه‌دوی، ۱۳۹۵: ۷۱).

| ردیف | شرکت مادر تخصصی/ادستگاه | نام شرکت | درصد سهام | ارزش برآوردی میلیارد ریال |
|------|---|---|-----------|------------------------------|
| ۱ | وزارت صنعت، معدن و تجارت | دخليات ايران | ۱۶٫۴۶ | ۲۳٫۰۴۰ |
| ۲ | سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران | آلومینوم جنوب | ۱۷ | ۱۲٫۲۶۰ |
| ۳ | شرکت ملی صنایع پتروشیمی | پتروشیمی دماوند | ۲۲ | ۳۰٫۸۰۰ |
| ۴ | سازمان خصوصی سازی | تولید تجهیزات سنگین - هیکو | ۵۵ | ۵۶٫۱۸۰ |
| ۵ | وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری | توسعه گردشگری ایران | ۱۷ | ۶٫۸۲۰ |
| ۶ | شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران | پالایشگاه نفت امام خمینی (ره) شازند | ۱۷ | ۱۳۶٫۰۰۰ |
| ۷ | سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران | آلومینای ایران (حاجرم) | ۱۷ | ۳۰٫۶۰۰ |
| ۸ | سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران | طلای زرشوران | ۱۷ | ۸٫۲۰۰ |
| ۹ | سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران | ماشین‌سازی تبریز (به همراه ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز) | ۳۵ | ۱۶٫۱۰۰ |

سود خالص دلاری شستا در سال ۱۳۹۹ معادل ۱ میلیارد و ۵۳۳ هزار دلار (به نرخ بازار آزاد) اعلام گردید که نسبت به سه سال قبل از آن رشد ۸ برابری را مشخص می‌نماید. بر طبق اعلام شستا، تعداد شرکت‌های زیان‌ده این هلدینگ در سال ۱۳۹۶، تعداد چهل شرکت بود که در سال ۱۳۹۷ به ۲۸ شرکت، در سال ۱۳۹۸ به چهارده شرکت، در سال ۱۳۹۹ به هشت شرکت و در سال ۱۴۰۰ به صفر کاهش پیدا کرد.

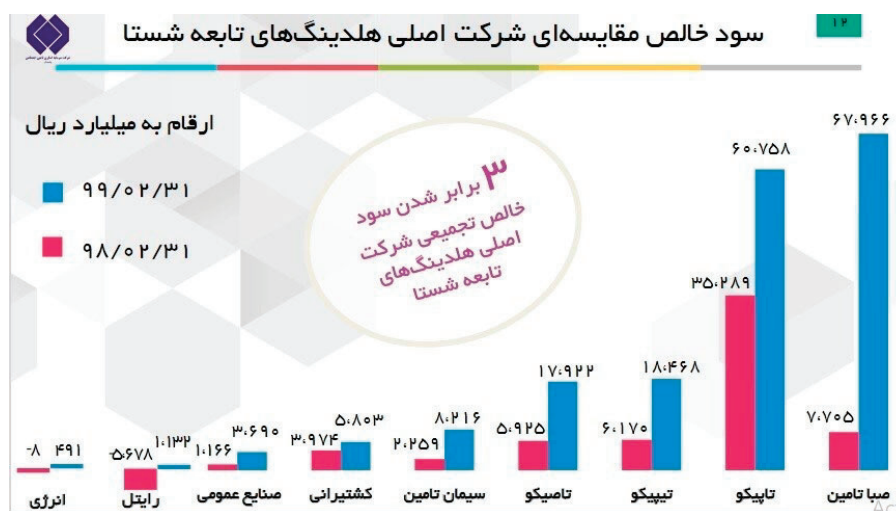
شستا روند واگذاری تعداد ۱۲۰ بنگاه اقتصادی زیرمجموعه‌ی خود را در اولویت کاری قرار داده و تعداد هلدینگ‌های آن از ۹ به پنج هلدینگ نفت، گاز و انرژی، بانک و بیمه، دارو، معدن و فلزات و فناوری اطلاعات و ارتباطات کاهش پیدا نموده است. در مرحله‌ی نخست، تعداد ۵۸ شرکت واگذار می‌گردد و بیش از ۸۰ شرکت نیز در حال آماده‌سازی برای واگذاری می‌باشند. یکی از مهم‌ترین بنگاه‌هایی که شستا قصد واگذار نمودن آن را دارد، اپراتور سوم همراه (رایتل) است که اعلامیه انتقال مدیریت اجرایی آن



در چارچوب پیمان مدیریت منتشر شده است. بر اساس آگهی منتشر شده از طرف شستا، قرار بر این است اداره اجرایی شرکت رایتل در چارچوب قرارداد پیمان مدیریت برای مدت سه سال به اشخاص «دارای صلاحیت» واگذار گردد. طبق این آگهی، متقاضیان باید هم دارای توان مالی مناسب باشند، هم تبعه‌ی ایران بوده و تجربه‌ی مدیریت‌عاملی اپراتورهای سراسری موبایل را برای مدت سه سال داشته باشند (<https://www.eghtesadonline.com> GMS ۲۰۰۲).

ادله موافق و مخالف واگذاری شرکت ها به بخش خصوصی

مخالفان واگذاری، شرکت‌ها را نهادی مستقل می‌دانند که به صورت اساسی قسمتی از نظام تأمین اجتماعی بر اساس این رابطه قرار می‌گیرد. همین دیدگاه به نوع واگذاری در کنار شرکای اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی، به کارگران و کارفرمایان تعمیم می‌دهند که موجب می‌شود نسبت به هر نوع تغییر و تحول در این سازمان مخالفت داشته و نسبت به آن حس تعلق خاطر داشته باشند (شمس، ۱۳۹۸: ۱۰۹). دلایل مخالفان واگذاری در چهار بخش کلی تقسیم می‌شود. ۱- سابقه‌ی ارتباط شستا و سازمان تأمین اجتماعی ۲- منفعت حاصل و عدم بروز فساد ۳- نحوه‌ی همکاری سازمان با شرکت‌های زیرمجموعه ۴- تناقض حقوقی طرح واگذاری (شریف محسنی، ۱۳۹۹: ۱۳۰).



تعاملی پرمفعت برای همه‌ی ذی نفعان

منفعت حاصله برای شرکت‌های زیرمجموعه، تنها دارای بعد اقتصادی می‌باشد و صرفاً می‌توان آن را کمک به افزایش حجم سرمایه‌ی بانک عنوان نمود که از شیوه‌ی جذب منابع مالی سازمان و شستا ناشی می‌شود (طالبیان، ۱۳۸۷: ۱۰۹). در کنار شرکت‌ها و سازمان، کسانی نیز قرار دارند که از تعامل این نهاد سود می‌برند و احتمال آسیب دیدن منافع آن‌ها نیز بخشی از استدلال‌ها برای مخالفت با طرح واگذاری را تشکیل می‌دهد. این گروه از ذی نفعان را می‌توان یا در میان ابعاد کلان اجتماع دانست و یا در ابعاد



جزئی کارگران و بیمه‌گران. یکی از عمده گروه‌های زیرمجموعه که از این همکاری نفع می‌برند، کارگران بیمه‌پرداز و مستمری‌بگیران می‌باشند که حساب حق بیمه‌شان در نزد سازمان آشکار می‌باشد. صرفاً به عنوان یک نمونه از نحوه‌ی منفعت این دسته، آنکه، سازمان می‌تواند به نوعی آن‌ها را در دریافت وام از بانک ضمانت کند و در جهت کمک به معیشت آن‌ها اقدام نماید. بانک هم به دلیل ضمانت سازمان می‌تواند در مورد بازپرداخت وام از سوی این اشخاص اطمینان خاطر داشته باشد (خدادادی، ۱۳۹۶: ۷۰). در بعد کلان، دیدگاه مخالفان این است که همکاری نهادهای زیرمجموعه و سازمان تأمین اجتماعی این امکان را میسر می‌کند تا شاهد بهتر شدن اوضاع اجتماعی از قبل منفعت کارگران بیمه‌پرداز باشیم؛ زیرا کارگران با استفاده از تسهیلاتی که بانک در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، این امکان برایشان ایجاد می‌شود تا به زندگی خود سرو سامان دهند و در نتیجه جامعه را شکوفا نمایند. از سوی دیگر، این همکاری موجب می‌شود تا دولت مجبور نباشد برای کاهش مسائل مالی سازمان به راه‌حلهایی مانند چاپ پول بی‌پشتوانه اقدام نماید و به نوعی این همکاری می‌تواند از یک امکان بالقوه تورم‌زا پیشگیری کند که به نفع اقتصاد است (طالبیان، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

عدم فساد و سهولت در همکاری میان شرکت‌های زیرمجموعه و سازمان

دوری از فساد و آسان بودن همکاری یکی از پایه‌های اساسی دیدگاه مخالفان است این همکاری نه تنها ضرری برای کسی ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند ایجاد رابطه‌ای بدون فساد را کلید بزند که موجب آسانی اقدام گوناگون در این خصوص است اساساً این همکاری از سوی نهاد نظارتی بر شرکت‌ها نظارتی بی‌چون و چرا است و در نتیجه سازمان نمی‌تواند هر آن‌چه را که می‌خواهد به شرکت تحمیل نماید (شریف محسنی، ۱۳۹۹: ۱۳۱).

تناقضات حقوقی و قانونی

سازمان تأمین اجتماعی به جهت ماهیت حقوقی، نه می‌تواند خصوصی باشد و نه دولتی، در صورتی که بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، این قانون مشمول نهادهای دولتی می‌باشد. در نتیجه عمومیت دادن این اصل و مطرح شدن روند واگذاری در سازمان نمی‌تواند دارای اعتبار باشد. مخالفان اعتقاد دارند که سازمان تأمین اجتماعی بر اساس ماهیت حقوقی خود نمی‌تواند مشمول اصل ۴۴ شود و در نتیجه مطرح کردن واگذاری به استناد این قانون امری نادرست است (همایون‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳۱). اساساً شرکت‌های زیرمجموعه بر مبنای قانون مصوب مجلس، به سبب آن‌که مالکیت شرکت در اختیار سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد و سازمان نیز یک بنگاه عمومی (نه خصوصی و نه دولتی) است، پس شرکت را نمی‌توانیم مشمول اصل ۴۴ بدانیم و در جهت خصوصی‌سازی آن را از سازمان تفکیک کنیم.

تعارض منافع دولت و تأمین اجتماعی

کیفیت شرکت‌هایی که دولت در چارچوب رد دیون به شستا انتقال داده، مهم‌ترین دلایل اصلی نداشتن نتیجه‌ی مطلوب



اقتصادی شستا و بحران‌های اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی است. دولت باید بدهی خود را به تأمین اجتماعی پرداخت کند و شرکت‌هایی را که نتوانسته‌اند بازده مناسبی داشته باشند، واگذار نماید از طرف دیگر، برخی کارشناسان ادعای «تحمیل» این شرکت‌ها به تأمین اجتماعی را مردود دانسته و اعتقاد دارند که خود مدیران تأمین اجتماعی این شرکت‌ها را «انتخاب» نموده‌اند. از سوی دیگر، برخی کارشناسان بر این امر اذعان دارند که تا زمانی که مدیریت تأمین اجتماعی و در نتیجه شستا در دست دولت باشد، هر زمان که تضاد منافع میان دولت با تأمین اجتماعی شکل بگیرد، منافع تأمین اجتماعی ضایع می‌گردد (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۵۴). از نگاه مخالفان واگذاری، منفعت دولت در نهادهایی که دولتی نیستند به طور طبیعی نمی‌تواند مفهومی داشته باشد

عدم توانایی در اداره امور بنگاه‌های شستا

از دیدگاه مخالفان، «سیر صعودی بدهی بیش از اندازه در سازمان‌های وابسته همچون تأمین اجتماعی و بازنشستگی به مؤسسات بانکی» یکی از مسائلی است که به نظر می‌رسد مشکلات تأمین اجتماعی را بیش از پیش افزایش داده و تا زمانی که تعاملی بین شرکای تأمین اجتماعی؛ یعنی کارگران، کارفرمایان و دولت، انجام نپذیرد و قدرت مدیریتی و نظارتی این شرکا در تأمین اجتماعی به یک موازنه‌ی مطلوب نرسد، امکان دفاع از منافع کارگران تحت پوشش این صندوق وجود ندارد (مه‌دوی، ۱۳۹۵: ۷۶).

استدلال‌های موافقان واگذاری

دلایل این گروه را می‌توان دو دسته کرد. ۱- نوع همکاری شرکت‌ها و سازمان و آسیب‌های ناشی از آن و ویژگی‌های منفی آن
۲- منافع به‌دست‌آمده برای بعضی ذی‌نفعان در مقابل ضررهای وارده بر دیگر ذی‌نفعان (نقدی فرد هاشمیان، ۱۳۹۴: ۱۵).

تعامل نامطلوب

استقراض افراطی سازمان از بانک رفاه کارگران به عنوان شرکت زیرمجموعه‌ی سازمان تأمین اجتماعی بر مبنای استدلال‌های مختلف، تلاشی بوده در جهت جبران کمبود نقدینگی که در سازمان وجود داشته و موجب شده تا در طول زمان حالتی انباشتی به خود بگیرد و بدون تسویه‌ی بدهی‌های پیشین، با قرض‌های جدید مدام بر حجم این بدهی‌ها افزوده شود. علل این شیوه‌ی استقراض همان قدرت مدیریت سازمان در بانک است که موجب می‌شود بانک همچون حیاط‌خلوت سازمان عمل نموده و تنها به اطاعت از دستورهای سازمان بپردازد و نیز اعمال نفوذ مدیریت که در شرایطی نیز با قوانین بانک دارای تعارض می‌باشد؛ (همان: ۱۶). از سوی دیگر، این مسئله نه تنها به نوعی دور زدن قانون و زیر سؤال بردن استقلال بانک بوده بلکه موجب می‌شود تا بانک تبدیل به صندوق سازمان شود که حتی شیوه‌ای برای دست‌اندازی به منابع عمومی و اموال شهروندان هم می‌باشد؛ برخلاف مخالفان واگذاری، موافقان این طرح سازمان را به طور کامل متعلق به کارگران نمی‌دانند و آن را نهادی می‌دانند که در مواقعی منفعت سازمانی خود و نه لزوماً منافع بیمه‌پردازان و یا مستمری‌بگیران را پیگیری می‌نماید (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۲۱). قبل از آن،



مخالفان واگذاری مدعی بودند که همکاری این دو نهاد زیر نظر نهادهای نظارتی شکل می‌گیرد و نمی‌توان هر فعلی را به اختیار انجام داد؛ اما از سوی دیگر، موافقان بر این اعتقادند که همکاری این دو سازمان عامل اصلی در ایجاد فساد می‌باشد. همچنان که یکی از کارشناسان در این باره اعتقاد دارد که فساد در این همکاری و نداشتن نظارت درست بر آن موجب می‌شود که سازمان در شرایط ضروری، به راحتی با همکاری بانک با گرفتن وام‌های بدون بازپرداخت مشکلات خود را حل نماید. این گونه همکاری که راه را برای رانت و ایجاد فساد مالی هموار می‌سازد، تنها در صورتی قابل پیشگیری است که سهام‌داران دیگری در کنار سازمان تأمین اجتماعی در مدیریت بانک دارای نقش باشند. برخلاف آنچه مخالفان واگذاری خاطرنشان می‌کردند که حضور سهام‌داران دیگر نمی‌تواند از قدرت سازمان بکاهد، زیرا بازهم این سازمان است که در موقعیت برتر قرار دارد، موافقان اعتقاد دارند باید واگذاری سهام به شیوه‌ای صورت گیرد که سهام‌داران پر قدرت وارد این قلمرو شده و جلوی تمامیت‌خواهی سازمان تأمین اجتماعی را بگیرند (همان: ۱۲۳). اما تمامی این مشکلات نشأت گرفته از همکاری بین بانک و سازمان، تنها ناشی از درخواست‌های بدون عقلانیت سازمان نیست. در این میان، بانک نیز منفعی دارد که ترجیح می‌دهد وضع به همین شکل باشد و این روند وجود داشته باشد. مسئله این است که هم بانک و هم سازمان تلاش می‌کنند تا با همکاری هم در جهت حفظ این منافع، این همکاری را مثبت نشان دهند. (کریمی^۱: ۲۰۰۳: ۴۵۴)

منافع جزئی، مضرات کلان

امکان دارد همکاری شرکت‌ها و سازمان برای تعدادی افراد دارای منفعت و برای تعدادی دیگر ضرر به دنبال داشته باشد. باید گفت هر چند در گفته‌های موافقان واگذاری از منفعت بحث می‌شود، از نظر آنها این منفعت یا کوتاه‌مدت بوده و یا اساساً دارای مشکلاتی برای دیگر ذی‌نفعان است که در نتیجه، ارزیابی مثبتی از این منافع ارائه نمی‌کند. هر چند عمده تأکیدات موافقان واگذاری بر این اساس بوده که بنگاه‌های زیرمجموعه دارای نوعی محدودیت در استقلال شده و در نتیجه، آن را تبدیل به حیاط‌خلوت سازمان‌ها نموده، آنچنان هم از این همکاری بی‌نصیب نبوده و رؤسای شرکت‌ها نیز به این امر رضایت دارند (طالبیان، ۱۳۸۷: ۶۵).

واگذاری به افراد «دارای اهلیت»

از دیدگاه موافقان، شستا در سال ۱۳۶۵ با استراتژی حفاظت از پس‌انداز بیمه‌شدگان و ایجاد ارزش افزوده تأسیس گردید و در حال حاضر ۲۷۴ شرکت زیرمجموعه‌ی آن هستند که از این تعداد ۱۸۴ شرکت دارای مدیریت می‌باشند. مهم‌ترین استراتژی شستا، حفاظت از منافع و اموال کارگران بیمه‌شده‌ی تأمین اجتماعی است؛ همچنین در جهت بهبود و مدیریت دارایی‌های کارگران زیرمجموعه‌ی شستا، برخی از این دارایی‌ها انتقال داده می‌شود تا در مکان‌های بهتری سرمایه‌گذاری گردد. برای جلوگیری از تکرار

^۱ Kremic, Tibor.



تجربه‌ی تلخ واگذاری‌ها بر اساس اصل ۴۴، جلساتی برای شفافیت و واگذاری به افراد «دارای صلاحیت» با فعالان اقتصادی استان‌ها برگزار گردید. بر اساس گفته‌های سازمان شستا، بیش از نیمی از مؤسسات فوق به دلیل رد دیون دولت به تأمین اجتماعی انتقال یافته است (خدادادی، ۱۳۹۶: ۷۸).

در راستای سیاست‌های کلی کشور

از منظر موافقان، می‌توان گفت که سازمان تأمین اجتماعی هم مانند دیگر سازمان‌ها و نهادهای عمومی در جهت سیاست‌های کلی کشور و همچنین نظرات شخصی رئیس‌جمهور به سمت خصوصی‌سازی اصلی و بنیادین حرکت می‌نماید. بر اساس دیدگاه این گروه، می‌توان در راستای سپردن امور به مردم گام بردارد و با روش دسترسی به این بنگاه‌ها شاهد مدیریت بهتر و سودآوری بیشتری باشیم. باید گفت که در حال حاضر، دولت در صنایع بالادستی فعالیت دارد و باید حداقل در صنایع پایین‌دستی این امکان ایجاد شود که بخش خصوصی حاضر شود؛ اما چیزی که اکنون مشاهده می‌شود این است که در شرایط فعلی، بخش خصوصی کشور در حاشیه قرار دارد و بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی از پشتیبانی و حمایت‌های نهادی دولت برخوردارند و امکان رقابت با آنها برای بخش خصوصی وجود ندارد؛ زیرا بنگاه‌های خصوصی در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند (نصیری اقدم، ۱۳۹۶: ۵۵). مخالفان واگذاری به دو جنبه اقتصادی و اجتماعی تقسیم می‌گردند و همه اثرات منفی واگذاری را مورد توجه قرار می‌دهند؛ این مسئله موجب می‌شود تا آثاری که از سوی موافقان واگذاری مطرح می‌شود، مثبت بوده و به عنوان شروعی برای بهتر شدن اوضاع تلقی شود (کورتا، ۲۰۰۳: ۱۱۳). مخالفان واگذاری دیدگاهی گسترده‌تر نسبت به پیامدهای احتمالی این واگذاری دارند و ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی را به طور همزمان بررسی می‌نمایند. به همین جهت است که نه تنها بر مشکلات مالی سازمان بعد از واگذاری تأکید می‌کنند، بلکه وضعیت اجتماعی، به ویژه با محوریت کارگران و بازنشستگان، را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. پیامدها و اثرات احتمالی مطرح‌شده از طرف مخالفان می‌تواند در دو بعد اقتصادی و اجتماعی تشریح شود:

پیامدهای اقتصادی

در شرایطی که سهام بنگاه‌ها بین سهام‌داران متعدد تقسیم شده و تنها در اختیار سازمان نیست، سازمان حاضر به تأمین کسری نقدینگی که از طرفی نیازمند به تأمین سریع آن برای انجام دادن تعهدات خود است، نخواهد بود؛ زیرا هیچ منفعت اقتصادی برای خود نمی‌بیند. این امر سازمان را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد؛ به عبارت دیگر، در شرایطی که سازمان نتواند احتیاجات خود را با ابزارهای مالی مناسب تأمین کند، در انجام تعهدات خود با مشکل مواجه می‌شود. این مسئله می‌تواند در کلیه ابعاد سازمان تأثیرگذار باشد؛ برای نمونه، اگر سازمان بخواهد با پشتوانه‌ی حساب‌های اشخاص در صندوق و بانک رفاه کارگران در حوزه‌های

^۱ Corbetta, P.



مختلف اقدام به مشارکت اقتصادی کند تا بتواند در راستای منفعت‌سازی برای کارگران اقدام نماید، با نادیده گرفتن سهام‌داری در شرکت‌ها و صندوق‌ها، تمامی این اقدامات غیرممکن می‌شود از مسائلی که می‌توان از دیدگاه مخالفان بدان استناد کرد، این است که در احتمال واگذاری، سازمان اجبار دارد بعضی از مسائل بانکی را که خودش بر عهده گرفته، حل کند و این امکان وجود دارد که در انجام آن‌ها دچار مشکلاتی شود. یکی از این موارد پرداختن وام است که هم سازمان به جهت تعریف شدن وظایفش امکان انجام آن را ندارد و هم در صورت انجام، چنانچه قبلاً نیز دارای سابقه بوده است، از عهده‌ی انجام صحیح آن بازمی‌ماند (طالبیان، ۱۳۸۷: ۷۸). یکی دیگر از مسائلی که در راستای واگذاری سهام بانک رفاه ممکن است ایجاد گردد، حذف گروه‌های مختلف از مشارکت اقتصادی مانند کارگران و بازنشستگان است. سازوکارهای اجتماعی-اقتصادی بانک رفاه و صندوق‌های مالی شرکت‌ها مثل پرداخت وام با ضمانت سازمان تأمین اجتماعی (به جهت در اختیار داشتن حقوق بازنشستگی افراد) و اعتبار داشتن آن، می‌تواند از حاشیه‌رفتن این اشخاص از مشارکت اقتصادی پیشگیری نماید و بالطبع در نتیجه‌ی واگذاری و حذف این کارکرد بانک رفاه، این اشخاص مشارکت اقتصادی کمتری داشته باشند که در نتیجه به آسیب‌پذیری هرچه بیشتر این قشر منجر خواهد شد (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

پیامدهای اجتماعی

با حذف بنگاه‌ها و خصوصاً بانک‌ها و مؤسسات مالی از مدیریت سازمان تأمین اجتماعی، شاهد وجود خلل کارکردی سازمان در تمامی سطوح، خصوصاً پرداخت مستمری‌ها خواهیم بود. (محمدی، ۱۳۹۹: ۸۹). همین‌طور، می‌توان گفت که با تقسیم سهام بنگاه‌های زیرمجموعه در بین سهام‌داران متعدد، احتمال افزوده شدن ایجاد عدم هماهنگی در انجام موارد متنوع بر این نارضایتی بالا می‌رود؛ (نقدی فرد هاشمیان، ۱۳۹۴: ۱۱۶). از بین رفتن اعتبار بانک در زمانی که شاهد حضور سایر سهام‌داران باشیم، یکی از موارد بسیار مهم است که قابل اغماض نیست. (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

تلاش سازمان و دولت در راستای تسویه کردن بدهی‌های دولت

برخلاف مخالفان واگذاری که در بحث از اثرات واگذاری، هم بر ابعاد اجتماعی و هم ابعاد اقتصادی تأکید دارند، موافقان صرفاً ابعاد اقتصادی مسئله را در نظر گرفته و بر این اساس، واگذاری را مفید می‌دانند. از نتایج دیدگاه موافقان تلاش سازمان و دولت در جهت تسویه حساب بدهی‌های دولت است. از دیدگاه موافقان، تا وقتی که این ارتباط به این شکل بین سازمان و بانک برقرار باشد و در زمان مناسب، سازمان به راحتی از بانک قرض بگیرد، نه سازمان پیگیر مطالبات خود از دولت است و نه دولت رغبت دارد تا آن را پرداخت کند. با وجود آسودگی خاطر دولت و سازمان از وجود یک صندوق (بانک رفاه کارگران) در مواقع ضروری، تلاشی صورت نمی‌پذیرد که سازمان روند دریافت تسهیلات از بانک را متوقف نماید (خدادادی، ۱۳۹۱: ۴۵). واگذاری و شفافیت منتج از آن نتیجه‌ی دیگری نیز در پی خواهد داشت که همانا تلاش برای اصلاحات بعدی است. موافقان معتقدند گرچه طرح واگذاری به



تنهایی نمی‌تواند بسیاری از مشکلات سازمان را حل و فصل کند، این حرکت را می‌توان نقطه‌ی شروعی برای اقدامات آتی دانست که تأمین اجتماعی را از وضعیت بحرانی موجود نجات دهد. اما در واقعیت، مشخص نیست فشار وارده باعث حرکت به سوی اصلاحات بعدی خواهد شد یا فروپاشی و تضعیف؟ (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۱۵). پیامد دیگر این طرح، درگیر شدن سایر بانک‌ها در فرآیندهای مالی سازمان و کاهش فشار وارده بر بانک رفاه خواهد بود. (شریف محسنی، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

چالش‌ها و موانع خصوصی‌سازی در ایران

یکی از چالش‌های مهم در فرآیند خصوصی‌سازی در ایران، مسئله ساختاری و نهادی است. در بسیاری از موارد، شرکت‌های دولتی که قرار است واگذار شوند، به علت عدم شفافیت در عملکرد و وابستگی به نهادهای دولتی، قابلیت انتقال آسان به بخش خصوصی را ندارند. این شرکت‌ها اغلب به نهادهای کلیدی مثل سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی یا بانک‌ها وابسته‌اند. این وابستگی‌ها باعث می‌شود فرآیند خصوصی‌سازی به کندی پیش برود و در بسیاری از موارد حتی منجر به ناکامی کامل این سیاست‌ها شود. علاوه بر این، مقاومت‌های داخلی درون خود این سازمان‌ها نیز یک مانع جدی به شمار می‌آید. به عنوان مثال، سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های تابعه‌اش نظیر شستا، همواره نسبت به انتقال مالکیت به بخش خصوصی با احتیاط و مقاومت رفتار کرده‌اند. یکی از دلایل این امر، ترس از دست دادن کنترل بر منابع مالی و درآمدهایی است که این شرکت‌ها برای تأمین اجتماعی فراهم می‌کنند. همچنین، عدم ارائه صورت‌های مالی شفاف توسط بسیاری از این شرکت‌ها، باعث شده است که سرمایه‌گذاران بخش خصوصی نتوانند به درستی وضعیت اقتصادی و سودآوری شرکت‌های مذکور را ارزیابی کنند. این مسئله می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به فرآیند خصوصی‌سازی منجر شود.

تأثیر نوسانات اقتصادی و سیاسی

نوسانات اقتصادی، به ویژه در حوزه نرخ ارز، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر خصوصی‌سازی در ایران است. بسیاری از شرکت‌های دولتی که قرار است به بخش خصوصی واگذار شوند، با چالش‌هایی مثل تورم، افزایش هزینه‌های تولید و تأثیر تحریم‌های بین‌المللی روبرو هستند. این مسائل باعث می‌شود که قیمت‌گذاری این شرکت‌ها به درستی انجام نشود و فرآیند واگذاری به بخش خصوصی با تأخیر و مشکلات زیادی مواجه گردد. همچنین، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، دسترسی شرکت‌ها به بازارهای بین‌المللی را محدود کرده و توانایی جذب سرمایه‌گذاران خارجی را کاهش داده است. در نتیجه، بسیاری از شرکت‌ها در حوزه‌های حساس مثل نفت، پتروشیمی و صنایع فلزی، به رغم برنامه‌ریزی برای خصوصی‌سازی، همچنان در دست دولت باقی مانده‌اند.

تجربه کشورهای دیگر در خصوصی‌سازی

بسیاری از کشورها در دهه‌های گذشته به خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی پرداخته‌اند و تجربیات موفق و ناموفق متعددی در این زمینه به دست آمده است. یکی از نمونه‌های موفق، کشور آلمان پس از اتحاد دوباره در دهه ۱۹۹۰ است. دولت آلمان با



ایجاد یک بستر حقوقی و قانونی مناسب و استفاده از مشوق‌های مالی، توانست شرکت‌های بزرگ دولتی را به بخش خصوصی واگذار کرده و کارایی و سودآوری آن‌ها را بهبود بخشد. همچنین تجربه خصوصی‌سازی در کشورهای اروپای شرقی نشان می‌دهد که وجود ثبات سیاسی و اقتصادی و یک بازار آزاد رقابتی، از عوامل کلیدی موفقیت در خصوصی‌سازی است. در مقابل، تجربه برخی از کشورهای آمریکای لاتین نشان داده است که خصوصی‌سازی بدون توجه به زیرساخت‌های نهادی و اقتصادی مناسب می‌تواند به کاهش کیفیت خدمات و افزایش فساد منجر شود. بنابراین، خصوصی‌سازی موفق نیازمند وجود یک نظام حقوقی شفاف، ثبات اقتصادی و مشارکت مؤثر بخش خصوصی و دولتی است.

پیشنهادها

- تشکیل یک سیستم نظارتی، پیگیری و ارزیابی بدون اعمال نظرات شخصی در فرآیند واگذاری‌ها و برخورد قاطع با متخلفان اجرای سیاست‌های اصل ۴۴.

- تدوین آیین‌نامه قانون اصلاح موادی از اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغ به دستگاه‌های اجرایی

- حمایت از توسعه بخش خصوصی در فرآیند واگذاری، بانکداری، بازاریابی خارجی، ترانزیت و حمل و نقل کالا

- اطلاع‌رسانی مقررات اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ق.ا. توسط رسانه‌های جمعی برای آگاهی مردم و ترویج فرهنگ خصوصی‌سازی و برگذاری میزگردهای تخصصی با حضور صاحب‌نظران مردم.

نتیجه‌گیری:

مسئله‌ی انتقال شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، یک مسئله مهم و اساسی است و قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام تأکید بر آن دارند تا بتوانند روند تأثیرگذاری توسعه و همچنین تحقق خصوصی‌سازی را با سرعت بیشتری صورت بخشند. استراتژی جدید شستا خروج از بنگاهداری و مدیریت سهام شرکت‌ها است و از این رو خواستار فروش کل یا بخشی از شرکت‌های تابعه است. فعالان بخش خصوصی در شرایط اقتصادی کنونی با چالش‌های بسیاری روبرو هستند و خرید بخشی از سهام شرکت‌های شستا به صورت درصدی جذابیت خاصی برای آن‌ها ندارد. وجود شرکت‌های زیرمجموعه‌ی عظیم و گسترده در شستا خود عاملی است که، هر یک از این شرکت‌ها به بخشی از دولت وابستگی تام داشته و مرادفات دولت با این شرکت‌ها و همچنین عدم ارائه صورت‌های مالی صحیح از این شرکت‌ها، اقبال عمومی را بر واگذاری آنان به بخش خصوصی با مشکلات و چالش‌هایی مواجه ساخته است. در واقع آسیب‌های حقوقی که از نحوه‌ی واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه‌ی تأمین اجتماعی به بخش خصوصی وارد می‌شود، نه تنها شامل نحوه‌ی تعیین صلاحیت متقاضیان خرید شرکت‌های موجود در لیست واگذاری و همچنین تأثیر نوسان قیمت ارز بر روند واگذاری شرکت‌های مورد نظر می‌باشد، بلکه حتی انتقال نیز از این شرکت‌ها آن چنان که باید صورت نمی‌گیرد.



منابع و مآخذ:

الف- کتابها

- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۸۱)، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- آخوندی، عباس، (۱۳۸۲)؛ مبانی نظری خصوصی سازی از منظر دولت بازار. تهران: سازمان خصوصی سازی
- بهکش، محمد علی، (۱۳۸۱)؛ اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، نشر نی،
- پاکدامن، رضا. (۱۳۸۸). رویکردهای اجرایی مبانی قانونی خصوصی سازی مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران تهران.
- تقدیسین، سعید، (۱۳۹۳) آسیب شناسی حقوقی و اجرایی واگذاری سهام دولتی به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، معاونت پژوهشی، هفتم اسفند ماه.
- توحیدفام، محمد، (۱۳۸۲)، دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن، تهران: روزنه.
- حسن زاده، علی، (۱۳۹۰)؛ عدالت بیمه‌ی اجتماعی و خرید راهبردی سلامت، تهران، نشر سازمان تأمین اجتماعی،
- حسینی پور اردکانی، سید مجتبی، (۱۳۸۹)؛ نظام حقوقی حاکم بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، تهران، جنگل.
- رحمت الهی، حسین (۱۳۸۱) تحول قدرت، نشر میزان،
- صفارزاده، غلامرضا (۱۳۸۹)؛ «موانع خصوصی سازی در ایران»، ماهنامه تخصصی تدبیر، شماره ۱۲۹،
- کریمی اصفهانی، خدیجه، (۱۳۸۷)؛ خصوصی سازی، تهران، نشر نو.
- کميجانی، اکبر، (۱۳۸۲)؛ ارزیابی عملکرد و سیاست خصوصی سازی در ایران، تهران: وزارت امور اقتصاد و دارایی
- کبیری سرنیتا و آیاتر فاطیما رلر، (۱۳۸۷)؛ خصوصی سازی، روندها و تحولات اخیر، مترجم: بابک جهانی، تهران، اوستا.
- متوسلی، محمد، (۱۳۷۳) خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار در توسعه‌ی اقتصادی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- محمدی، فرشته، (۱۳۹۴)؛ چالش‌های خصوصی سازی در ایران، تهران، دانشگاه تهران
- مهدوی، عبدالمحمد، (۱۳۹۵)، بررسی فرآیند خصوصی سازی در توسعه کشور و روش تقویت آن، تهران، نشر پارسین.
- نوری، محمود، (۱۳۸۹)؛ واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی و تأثیر آنها در اقتصاد کشور، تهران، نشر وزین.
- همایون پور هرمز، (۱۳۹۴)؛ تأمین اجتماعی در ایران و جهان، پیشینه‌ی تاریخی، نظامها و طرح‌های در دست اجرای کشورها از نظر تطبیقی، تهران، مؤسسه ی عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

ب- مقاله‌ها

- ابراهیمی عرفان (۱۳۹۳)، «مبانی نظری دولت حداقلی در اندیشه فردریشفون هایک» همایش ملی رویکردهای کاربردی و پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت، شماره ۳،



- ابراهیمی، مهدی، (۱۳۹۳)؛ «نگاهی به پژوهش‌های رفاه اجتماعی در ایران» فصلنامه‌ی تأمین اجتماعی، سال سیزدهم، ۴۶.
- احمدوند محمدرحیم، (۱۳۹۲) «واکاوی عملکرد خصوصی سازی در ایران» سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال یکم، ۲.
- اکبری، حسین و نیک زاد، سحر، (۱۳۸۹)، ابزارهای پرکاربرد مدیریتی در سازمان‌های ایرانی، مجله تدبیر، شماره ۲۱۷.
- جلیلیان، یوسف، (۱۳۹۴)؛ «بررسی روند خصوصی سازی؛ موانع و مشکلات»، جستارهایی در مدیریت، شماره ۲۱، تابستان.
- خدادادی، علیرضا (۱۳۹۶)؛ «خصوصی سازی و بررسی عملکرد شرکت‌ها قبل و بعد از واگذاری به بورس اوراق بهادار»، دانشگاه گیلان، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی مشکى.
- خداوردی، روح الله و زهره بجنوردی، احسان، (۱۳۸۹) راهبرد برون سپاری؛ فواید، مشکلات و چالش‌ها، فصلنامه تخصصی پارکها و مراکز رشد، سال هفتم، شماره ۲۵.
- شمس، عرفان، (۱۳۹۸)؛ نقش نهادهای مقررات گذار در تنظیم خدمات عمومی، فصلنامه‌ی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۳.
- طالبیان، امیر؛ فاضلی، محمد و دغاغله، عقیل (۱۳۸۷)؛ «تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه‌ی صنعتی در منطقه‌ی عسلویه»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۱۹.
- عباسی، بیژن، و فاطمه کیا، (۱۳۹۲)؛ «اصل رایگان بودن خدمت عمومی در پرتو قوانین و رویه‌ی قضایی جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوق عمومی، شماره ۲۱.
- عبدالله پوری حسینی، میرعلی، (۱۳۹۳/۷/۲۲) «شبه دولتی‌ها در ۸۸ درصد مزایده‌ها برنده شده‌اند» اطلاعات، ۲۵۵۶۵.
- عطایی، امید، (۱۳۹۶)؛ بودجه ۹۰ و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، نشریه جام جم.
- علوی، سیده عاطفه، زینب نیری، راشین حاتمی (۱۳۹۲)؛ «دولت الکترونیکی» فصلنامه‌ی حقوق اساسی، شماره ۱۳۲.
- فولادیان مجید و زینب فاطمی امین (۱۳۸۸)، «خاستگاه فلسفی دولت رفاه پوپر در تقابل با نظریات موافقان کلاسیک و موافقان معاصر»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۰.
- فیض زاده، علی، مدنی، سعید (۱۳۸۰)، «بررسی مفهوم رفاه و تأمین اجتماعی در ایران و جهان در چارچوب زمینه‌های اجرای نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و شاخص‌های مرتبط با آن» فصلنامه‌ی رفاه و تأمین اجتماعی، شماره ۱۱۷.
- کریمی، مظفر (۱۳۹۲)؛ «پیامدها و موانع واگذاری مدیریت تأمین اجتماعی به نهادهای خصوصی»، فصلنامه‌ی تأمین اجتماعی، شماره ۴۱.
- مجتهدزاده، ویدا، (۱۳۹۳)؛ «رابطه‌ی خصوصی سازی و ساز و کارهای نظام راهبردی شرکتی با سرعت گزارشگری و عملکرد مالی»، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز دوره‌ی ششم، شماره اول.
- مجرد، ناصر (۱۳۸۶)؛ «کارگزاری‌های تأمین اجتماعی حلقه واسط میان مخاطبان بیمه‌ای و شعب تأمین اجتماعی» فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۶۴.



- محمودی، رضا، (۱۳۸۷)؛ «خصوصی سازی در فرآیند توسعه کشور»، فصلنامه اقتصاد نوین، سال دوم، شماره ششم.
- مرادی، محمد، (۱۳۹۴)؛ «حوزه های خدمات دفترهای کارگزاری و تأثیر آن بر حقوق شهروندی»، فصلنامه نشر نو، ۱۲۱.
- منتقمی، فروغ، (۱۳۸۴)؛ «آشنایی با دولت رفاه»، مجله ی بررسی های بازرگانی، شماره ۱۲ .
- موسوی، میر طاهر، (۱۳۹۴)؛ «ابعاد ، مؤلفه ها و نشان گرهای رفاه اجتماعی سالمندان» فصلنامه علمی -پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۶۰.
- مهدوی، علی، (۱۳۹۵)؛ «کارگزاری تأمین اجتماعی و خدمات آن»، فصلنامه صنعت بیمه ،شماره ۸۸.
- مهرگان، محمدرضا؛ سلامی، هادی و خواجه، مصطفی (۱۳۹۰)؛ «ارائه یک مدل تصمیم گیری چند شاخصه جهت برون سپاری فرآیندهای کسب و کار با استفاده از تکنیک فرآیند تحلیل شبکه ای»، مجله مدیریت توسعه و تحول شماره ۶.
- نصیری، مرتضی، (۱۳۹۱)، «پاره ای ملاحظات پیرامون شرکت های دولتی» نشریه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی سال دهم، شماره ۳۸.
- نصیری اقدم، علی و فاتحی زاده، محسن، (۱۳۹۰)، « سهم بخش خصوصی و بخش عمومی از واگذاری شرکت های دولتی.» جستارهای اقتصادی، سال ۸، شماره ۱۶،
- نقدی فرد، هاشمیان، محسن، (۱۳۹۴)؛ « مفاهیم کارگزاری در صنعت بیمه»، مجله تکفاه، شماره ۷ و ۸
- نوری، احمد (۱۳۸۷)؛ « خصوصی سازی در اصل ۴۴ قانون اساسی و نقش نظارت بر آن»، فصلنامه اقتصاد نوین، ش ۷،

ج- پایان نامه ها

- حاج علیان، فرشاد، (۱۳۹۰)؛ «طراحی الگوی تصمیم گیری تعیین فعالیت های قابل برون سپاری در بخش مدیریت منابع انسانی صنعت نفت»، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.

www.iacpa.ir/news-

www.ssic.ir-

www.khatkesh.net/rule-

www.donya-e-eqtasad.com -

www.eghtesadnews.com-

www.irna.ir/news-

www.monaghesatiran.ir-

منابع لاتین:

- Gibson, V.M. (۱۹۹۶). Outsourcing can save money and increase efficiency, Benefits Administration, March, -
 Kremic ,Tibor. Tukel , Oya Icmeli and Walter O. Rom. (۲۰۰۶), Outsourcing decision support: a survey of benefits, -
 risks, and decision factors, International Journal Supply Chain Management, Volume ۱۱ , Number ۶
 Niskanen, Salla (۲۰۱۳), Outsourcing Decision-Making in Mining Industry, Master's Thesis, Department of -
 Marketing, University of Oulu.



**Legal pathology of the effects of handing over the investment company
Social security (Shasta) to the private sector**

Abstract:

What are the effects and consequences of handing over social security companies to the private sector on this institution from the point of view of legal aspects. In this article, the arguments of supporters and opponents have been examined and each one has been evaluated separately. The transfer of social security subsidiary companies to the private sector is an issue that has been raised by legislators for a long time, and this issue has supporters and opponents, which has been considered based on the capacities of the social security organization and the manner of these transfers. The implementation of the policies of Article 44 of the Constitution caused a lot of conflict between supporters and opponents in this category, and the purpose of this article is to investigate the damages caused by this handover. The research method in this research is descriptive-analytical based on library studies. The rise of Khusolti companies is one of the signs of failure in the privatization process. Also, the realization of the goal of increasing productivity after the privatization of economic enterprises is something that experts do not easily confirm. For this reason, there are concerns about Shasta's divestiture, especially regarding the eligibility of applicants to purchase companies on the divestiture list. Of course, so far there have been other problems in handing over Shasta, which have prevented its full implementation. In this case, points such as the effect of currency fluctuations on the transfer process of Shasta companies have been mentioned.

Keywords: outsourcing, social security, privatization, Shasta